

می شود معلوم از این شعر عجیب

می رسد هر روز اخبار عجیب

چون که می خوانیم اخبار عجیب

بنده هم امروز در حالی غریب

حال بنده، آری این حال غریب

بابت این شعر من شرمندهام



مهدی استاداحمد

روشنایی های شب در حوالی روز دختر

حسن لطفی

دختران آقای الف



اولین باری که آقای الف از دوست دخترهاش حرف زد همه را متعجب کرد. دسته جمعی رفته بودیم کوه و او اصرار داشت، سر ساعت خاصی بر گردیم. زمان به سرعت گذشت و وقت برگشتن شد. اما هوا و شرایط آنقدر عالی بود که همه به جز او برای برگشت به شهر عجله‌ای نداشتند. آقای الف که از نیم ساعت مانده به وقت اعلامی اش، سوزن کلامش روی کلمه بریم گیر کرده بود زمانی که از تمایل دیگران به برگشت ناامید شد خودش به سمت جاده به راه افتاد تا سوار اتومبیلی عبوری بشود و برود. بقیه که دلیل عجله‌اورا نمی‌دانستند، متوقف کردند تا دلیل آن را بدانند. او هم خیلی جدی گفت: یک قرار مهم دارم. حالا حس کنجکوی همه گل کرده بود و می‌خواستند طرف ملاقات او را بشناسند. آقای الف هم با همان لحن جدی گفت: با دوست دخترت قرار دارم. حالا اجازه می‌دیدم؟ نمی‌دانم چرا هیچکدام ما گمان نکردیم منظور او از دوست دختر هاش، دختران خودش است. به خاطر همین دستش را گرفتیم و سعی کردیم از رفتن منصرفش کنیم. توی راه فهمیدیم منظورش دختران خودش است که به جانش بستن‌اند. می‌گفت لغو و بدقولی هر فراری برایش آسان است اما وقتی به دو دخترش قول می‌دهد امکان لغوش نیست. نه اینکه تحت فشار باشد. نه! می‌گفت این قول و قرارها بهترین قرار نیست. تا آقای الف را به خانه برسانیم بحث سر فرزند و دختر و پسر شد. نظرها متفاوت بود. حتی یکی تعریف کرد وقتی خبر به دنیا آمدن دخترش را شنیده بود، پشت فرمان بوده، ماشین را کنار می‌زد و چند بار سرش را محکم به فرمان اتومبیلی می‌کوبد. بر خلاف آقای الف بشکر گزار ترین ما بود. برای او دختر نماد زیبایی، احساس، عاطفه و زندگی بود. از آن روز هر وقت می‌خواهیم حال آقای الف را بهتر کنیم از دوست دخترهاش می‌پرسیم؛ دخترانی که وقتی به دنیا آمده‌اند زندگی آقای الف رنگ و صداهای زیباتری به خود دیده‌است.

مجله روز

سینما حقیقت

شانزدهمین شماره فصلنامه «سینماحقیقت» با تصویر و مروری بر آثار و زندگی یوناس مگاس، مستندساز و پدرخوانده سینمایی آواگارد امریکا منتشر شد. در بخش رویدادها و گزارش‌های این شماره گزارشی از کارگاه «صدا و موسیقی در فیلم مستند» و مروری بر برگزاری جلسات نمایش و نقد مستندهای کانون فیلم سینماحقیقت درج شده و پرونده ویژه آن نیز به «خودنگاری در سینمای مستند» اختصاص پیدا کرده‌است.

تیتیر مصور | ترامپ ناتو را به خروج امریکا تهدید کرد

دیشمیکر



Info@etemadnewspaper.ir
www.etemadnewspaper.ir

این نامه اخلاقی حرفه‌ای روزنامه اعتماد را در سایت بخوانید

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ابیاس حضرتی
چانشین مدیرمسئول و رئیس شورای سیاست‌گذاری: بهروز بهزادی
سردبیر: سیدعلی میرفتاح
معاون اجرایی: حجت طهماسبی
مشاور مدیرمسئول: محمد حضرتی
رئیس سازمان آگهی‌ها: علی حضرتی
نشان: خیابان ستارخان، خیابان کوثر دوم، پل بست مینو
تلفن خانه:۰۲۵-۶۶۱۲۴۰۲۴ - ۶۶۱۲۴۰۲۱:تلفار:۰۲۱-۶۶۱۲۴۰۲۱
توزیع: نشر گستر امروز ■ تلفن: ۶۱۹۲۳۰۰۰
چاپ:نشر روزتاب ■ تلفن:۴۴۵۴۵۰۷۶

■ اذان ظهر:۱۳/۱۰ ■ غروب آفتاب: ۲۰/۲۱ ■ اذان مغرب: ۲۰/۴۲ ■ اذان صبح فردا: ۴/۱۷ ■ طلوع آفتاب فردا: ۶/۰۰

یک اتفاق ساده

کیوان کثیریان

یک تصمیم کاملاً اشتباه



با برگزار نشدن و حتی کوچک شدن جشن خانه سینما به‌شدت مخالفم. اگر این خیر صحت داشته باشد، باعث تأسف است. بحث لزوم برگزار نشدن این جشن به دلیل مشکلات معیشتی اهالی سینما و مردم ایران که هر ساله توسط عده‌ای با اهداف مشخص، طرح می‌شود، دوباره مطرح شده و این بار متأسفانه از زبان مدیران خانه سینما و جشن هم تکرار شده‌است.

سوال اینجاست که در کدام دوره از دوره‌های جشن، مشکلات اقتصادی و معیشتی در خانه سینما یا کل کشور وجود نداشته‌است؟

اگر قرار باشد از این زاویه به فرهنگ و هنر نگاه کنیم و اولویتی برای آن قائل نباشیم، تمامی فعالیت‌های فرهنگی ۴۰ سال اخیر زیر سوال خواهد رفت.

مگر جز این است که در ۴۰ سال گذشته در تحریم به‌سر برده‌ایم، درگیر جنگ بوده‌ایم، فقر گریبان بخشی از مردمان را گرفته و... پس چرا - به ویژه در دهه سخت و بحرانی ۶۰- هر ساله جشنواره فیلم فجر و جشنواره تئاتر و موسیقی و تجسمی‌مان به راه بوده؟ پس چرا این همه فیلم ساخته شده و کنسرت‌ها و نمایش‌ها و گالری‌ها و چاپ و نشر کتاب‌ها و مجلات و روزنامه‌ها کار خودشان را کرده‌اند؟ مگر تلویزیون در این ۴۰ ساله این همه برای برنامه‌ها و سریال‌هایش هزینه نکرده‌است؟ مگر مشکلات معیشتی و اقتصادی کم داشته‌ایم؟ نه تحریم چیز جدیدی است و نه مشکلات اقتصادی و معیشتی. آنها که وظیفه‌شان رفع این مشکلات است باید پاسخگو باشند نه آنکه تمام فعالیت‌های مملکت به‌ه حالت تعطیل و نیمه تعطیل درآید چراکه فلان مسوول و بهمان رئیس نمی‌تواند وظیفه‌اش را درست انجام دهد و کارها را جمع کند. به هر حال باید پذیرفت که هر چیز جای خودش را دارد و هر کسی مسئولیتی در جامعه و کشور به عهده دارد.

نکته مهم‌تر آنکه تبعات چنین تصمیماتی آیا جز این است که بحران مضاعف بر وضعیت بحرانی کشور تحمیل کند و همه چیز را بحرانی‌تر از آنچه هست جلوه دهد؟ و تازه کسانی که چنین تصمیماتی می‌گیرند آیا به این اندیشیده‌اند که از چنین تعطیلی‌هایی چه کسانی سود می‌برند؟ و منویات و اهداف چه طیفی تأمین می‌شود؟ چه کسانی از این قبیل تصمیمات خوشحال می‌شوند؟ آیا دقیقاً به اهداف شکست خوردگان انتخابات قبل توجه کرده‌اند که دوست دارند با بحرانی‌تر نشان دادن همه چیز و اثبات ناکارآمدی دولت مستقر، مجدداً افسار قدرت اجرایی را در دست بگیرند؟

اگر اینطور است که پس بیاید همه پروژه‌های فیلمسازی‌تان را تعطیل کنید و پولش را بدهید به بانک مرکزی که مشکل دلار رفع شود! اصلاً چرا در این شرایط اقتصادی باید این همه روزنامه و مجله چاپ شود؟ همه را تعطیل کنیم پولش را بدهیم برای گورخواب‌ها خانه بسازیم! واقعا چه ربطی دارد؟

فرهنگ و فعالیت فرهنگی هزینه دارد و هزینه‌اش هم هزینه زاید محسوب نمی‌شود. اتفاقاً سرمایه ارزشمندی است که آثار و تبعات مثبتش در جامعه غیرقابل انکار است. تعطیل کردن فعالیت‌های فرهنگی به بهانه مشکلات معیشتی نه تنها ساده‌اندیشانه و تا حدی پوپولیستی است بلکه رویکردی بسیار خطرناک نیز هست. امیدوارم جشن خانه سینما و همه رویدادهای فرهنگی و هنری کشور در هر شرایطی باشکوه و کامل برگزار شوند.

۱۲،۰۱۰ روز پیش در همین ستون، اتفاقاتی از این دست را پیش‌بینی کرده بودم که با ناکید، تکرارش می‌کنم:

«در فضای عجیب و غریب این روزها، فرهنگ و هنر کجای ماجرا می‌ایستند؟ تأات نقشش چیست؟ سینما به چه کار می‌آید؟ موسیقی و کنسرت و گالری چطور؟ در نگاه اول اینها دیگر اولویتی ندارند. اما واقعیت این نیست. فرهنگ در شرایط دشوار، بهتر و بیشتر کار می‌کند. خودش یک راه نجات است. روحیه‌های ویران را بازسازی می‌کند، مانع فروپاشی روح و روان می‌شود و هویت جمعی و وجدان عمومی را احیا می‌کند.

بله، موقعیت متناقضی است، اصاً تعطیلی فرهنگ و هنسر در این شرایط دشوار، هزینه‌های مادی و معنوی را بالاتر می‌برد. فرهنگ راه نجات است.

اعتقاد

Info@etemadnewspaper.ir

در بخش معرفی مستندهای روز نیز یادداشت‌هایی را درباره مستندهای «بزم رزم»، «درباره فروشنده»، «تسبان»، «پیرمرد و دریا»، «پناهگاه» و «لیلا» می‌خوانیم. مدیریت کسب و کار برای فیلمسازان و اینکه چطور می‌توانند در جشنواره‌های بین‌المللی شرکت کنند از سوزه‌هایی است که در فصل «کارگاه» این شماره به آن پرداخته شده‌است. شماره شانزدهم فصلنامه «سینماحقیقت» با قیمت ۱۵ هزار تومان روی کیوسک است.

دروازه سرخ

سهیل سربایان

پایان یک ماه شیرین

این روزها همه دیگر در مسکو هستند. تمام شهرهای روسیه تمام شدند. حالا دیگر تنها ۲ بازی باقی مانده. اورسلان از ترکیه است. ده سالی می‌شود که در مسکو زندگی می‌کند. در طول مسابقات جام جهانی مسوول لباس‌های داوطلبان بوده‌است. البته که بسیار خوشحال است چون بلیط بازی فینال را خریداری کرده‌است. اورسلان به تازگی هم پدر شده‌است. او ده سال پیش که به روسیه آمد به‌قول خودش فکر هم نمی‌کرد که روزی بتواند بازی‌های جام جهانی‌را از نزدیک ببیند. چه حسی داری حالا که داری جام جهانی‌را از نزدیک تماشا می‌کنی؟ «اگر بگم که هنوز باورم نمی‌شود شاید به من بخندید. اما واقعا این بزرگ‌ترین اتفاق زندگی من بوده‌است. فضای عجیب و غریبی که به تازگی متوجه می‌شوم چرا یکسری‌ها از تمام قاره‌ها برای جام جهانی به کشورهای دیگری می‌آیند از نزدیک دیدن بازی‌هایک تجربه‌بی‌نظیر است.»

چقدر وقت است در روسیه زندگی می‌کنی و چه کاری برای فیفا انجام می‌دهی؟

«حدوداً ده سالی است که در روسیه زندگی می‌کنم، اینجا از دواج کردم. من مسوول لباس‌های داوطلبان جام جهانی هستم. از نظر اندازه و تعداد و هر گونه مشکلی که باشد. حس خوبی دارد که از نزدیک با داوطلبان در ارتباط هستم.»

ده سالی است که در روسیه زندگی می‌کنی، چه نظری درباره روسیه داری؟

«من وقتی ترکیه بودم در ازمیر زندگی می‌کردم، اما وقتی از دواج کردم به مسکو آمدم. اینجا خیلی راحت‌تر هستم و باید بگویم که تا به امروز هیچ‌وقت این حس را نکرده‌م که از این جامعه نیستم. روس‌ها همیشه با من مثل خودشان رفتار کر دند و کسانی که برای دیدن بازی‌های جام جهانی به اینجا آمده‌اند هم می‌توانند حرف من را تایید کنند. رفتارهای نژادپرستانه ندیدم و واقعا رضی هستم. فکر می‌کنم این یک فرصت بزرگ بود برای روسیه تا به همه جهان نشان دهد که تبلیغات منفی رسانه‌ها اثر دروغ‌پودانه‌اند.»

ناراحتی جام جهانی در حال تمام‌شدن است؟

«همه به این شب‌های فوتبالی عادت کرده بودیم. مسکو هر شب فستیوال کشورهای مختلفی بود و همه خوشحال به خیابان‌ها می‌آمدند. واقعا سخت است وقتی می‌فهمی این یک ماه شیرین رو به پایان است. اما این بهترین یک‌ماه‌زندگی من بوده‌است.»

پسر اورسلان امروز یک‌ماهه‌می‌شود و قرار است در بازی فینال در کنار پدرش به تماشای بازی کرواسی و فرانسه بنشیند.

در همین حوالی

جار می‌زنم تا خبردار شوند

کنام اراده، سه‌م امثال مرا در رسانه ملی خودمان کمتر از تولیداتی رقم می‌زند که حتی در هفدهمین هفته نمایش فیلم‌شان نیز همچنان مشمول حمایت‌های سخاوتمندانه تبلیغاتی هستند؟

کنام عدالت، امنیت تولیدکنندگان فیلم ایرانی را در استفاده از رسانه‌های جایگزین، کمتر از تولیدکنندگان انواع رب و چیپس و اپلیکیشن و... تعیین و تأمین می‌کند؟


هر تهیه‌کننده‌ای به تجربه می‌داند که هیچ روش تبلیغی، به اندازه پخش ۲۰۰۰ تبلیغ مجانی ۳-۲ دقیقه‌ای از کانال‌های سراسری تلویزیون ملی، تأثیر در موفقیت اکران یک فیلم سینمایی ندارد(به‌آمار اکران نوروز اسما) مراجعه کنید؛) اما وقتی این موهبت صرفاً نصیب برخی فیلمسازان -و نه همه فیلم‌ها- می‌شود، چه باید کرد؟

خوشبختانه میزان استقبال بچه‌ها و خانواده‌ها از فیلم «خاله قورباغه» به لطف تبلیغات مردمی و البته تابلوهای شهری، هر روز از روز قبل بالاتر می‌رود، اما به هر حال نمی‌توان نادیده گرفت که محرومیت مطلق از تبلیغات رسانه‌ای در آستانه و شروع اکران، آن هم هم‌زمان با مسابقات جام جهانی، نقطه آغاز حرکت ما غیر منصفانه در جایی قرار داد که جبران آن برای هیچکس مقدور نیست و تنها خاصیتش، ارایه تصویر تمام عیارى شد از جای هدفمند تلویزیون کشورمان با اغلب تولیدات سینمایی کشورمان، و لذا ما سینماگران نمی‌فهمیم که «مسال حمایت از تولیدات ملی» برای امثال ما، با چه اتفاقاتی قرار است تقویم شود؟!

عکس‌نوشت



این‌باباانتشار مجموعه تصویری دوست‌داشتنی از فوتبالیست‌های کوچکی که کودکان کار هستند، خبر از برگزاری مسابقات لیگ برشین داد و نوشت: «چهارمین دوره رقابت‌های فوتبال لیگ برشین کشور از گروه منطقه جنوب عصر چهارشنبه با حضور تیم‌های اصفهان، کرمان، بوشهر و شیراز در رده‌های نونهالان، و جوانان در شیراز آغاز شد. لیگ برشین کشور که بازیکنان آنها از کودکان کار و خیابانی تشکیل می‌شود در سال ۱۳۸۵ نخستین بار توسط جمعیت امام علی(ع) در محله فرحزاد تهران شکل گرفت و این جمعیت یک تیم فوتبال از کودکان خود تشکیل داد که نام «برشین» برای آن انتخاب کرد.» عکسی که می‌بینید از این مجموعه انتخاب شده‌است.



درسگفتار:


محمد رضا تاجیک

نو اصلاح طلبی

گفتمانی برای فردا

روزهای یکشنبه ساعت ۱۹:۳۰-۱۷:۳۰

۲۴ تیر ماه ۱۳۹۷



پرسش
موسسه‌ی مطالعات سیاسی - اقتصادی
PORSESH
The Institute of Political-Economic Studies
تهران، خیابان قلم‌فراسی، نرسیده به خیابان شهید مطهری
کوچه‌ی ششم، پلاک ۲۰، تلفن: ۸۸۸۳۷۶۳۷-۸۸۸۳۲۰۱۰
www.qporsesh.com

هیچ‌دوای
در پرسش
هیچ‌گاه
تکرارنمی‌شود